

ابزارها و روش های سیاستی فرهنگ در اسناد قانونی و سیاست های رسمی جمهوری اسلامی ایران

سینا کلهر^۱

چکیده

جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی همواره کوشیده است به شکل آگاهانه و ارادی در تحولات فرهنگی جامعه اثرگذار باشد. این تلاش ها با استفاده از ابزارهای مختلفی انجام شده است. برای شناخت ابزارهای سیاستی و تغییر فرهنگی در چهار دهه گذشته در نظام جمهوری اسلامی می توان از چشم اندازها و روش های مختلفی استفاده کرد. در این مقاله با استفاده از چارچوب نظری جامعه پذیری و روش تحلیل محتوای کیفی اسناد قانونی، روش ها و ابزارهای اصلی مورد استفاده در حوزه فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته های تحقیق می توان این گونه نتیجه گیری کرد که جمهوری اسلامی در کلان ترین سطح خود از چهار ابزار مختلف به شکل همزمان در حوزه فرهنگ به عنوان ابزار سیاستی فرهنگ در جامعه استفاده می کند. نهادسازی، گفتمان سازی، قانون گذاری و حمایت مالی. روش اصلی مورد استفاده در تغییر فرهنگی نیز روش سه وجهی تغییر فرهنگی است که رکن اصلی و اساسی اش تغییر آشکار و مستقیم از طریق مداخله قانونی است. این روش بر سه گانه تحذیر - تشویق - ترغیب و مبتنی بر ساقه های ترس - آگاهی جویی - زیبایی دوستی استوار بوده و به صورت مستقیم و آشکار می کوشد تا اصلاحات مدنظر در حوزه فرهنگ را محقق سازد. در نتیجه متناسب با آنچه در حوزه های نهادسازی، قاعده گذاری، حمایت مالی و گفتمان سازی صورت گرفته است، به نظر می رسد الگوی فرهنگ سازی سخت بسیار بیشتر از الگوی فرهنگ سازی هوشمند مورد استفاده قرار گرفته است.

■ واژگان کلیدی

فرهنگ، تغییر، قانون، ابزار، روش.

۱. عضو هیئت علمی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱. مقدمه

«این قدر در زندگی مردم مداخله نکنیم، ولو به خاطر دلسوزی؛ بگذاریم مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند، نمی‌توان به زور و شلاق مردم را به بهشت برد» (سخنرانی حسن روحانی در همایش بیمه سلامت همگانی، ۱۳۹۳).

«این تعبیر، نادرست و مغالطه‌آمیز است؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌خواهد مردم را به زور به بهشت ببرد اما باید از راه و به شکل درست، مسیر بهشت را به روی مردم باز، و آنها را به حرکت در آن مسیر، تشویق کنیم. فلسفه ارسال پیامبران، هدایت مردم به بهشت و دور کردن آنان از جهنم بوده است، البته این حرف هم که در اسلام هیچ اجباری وجود ندارد، حرف درستی نیست و حدود شرعی در برخی موارد وجود دارد» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان، ۱۳۹۶).

اختلاف‌نظر در خصوص روش مداخله دولت در فرهنگ، یکی از مهم‌ترین محورهای مناقشات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر جامعه ایران بوده است. پرسش‌هایی از قبیل وظیفه حکومت در قبال فرهنگ جامعه چیست؟ حدود، نوع و شکل رابطه میان حکومت و فرهنگ چگونه تعیین می‌شود؟ اگر حکومت در خصوص فرهنگ وظایفی دارد، این وظایف چیست و حدود و ماهیت آن را چه کسی تعیین کرده است؟ پرسش‌های زیربنایی و اساسی در مورد نحوه و چگونگی دخالت دولت برای اصلاح فرهنگ است باین‌حال در موقعیت بررسی نحوه عمل فرهنگی نظام جمهوری اسلامی که اصلاح فرهنگی را بخش جدایی‌ناپذیر و اساسی هویتش می‌داند به این پرسش‌ها می‌توان از رهگذر تحولات و تطورات تاریخی روش مداخله فرهنگی نیز پاسخ داد.

فارغ از اینکه پاسخ نظری و مبنایی به این پرسش‌ها چه بوده است، در واقعیت عینی و تاریخی و در تاریخ بیش از چهل ساله جمهوری اسلامی در عمل از ابزارها و روش‌هایی برای مداخله فرهنگی استفاده شده است. شناخت روش مداخله نظام جمهوری اسلامی ایران در فرهنگ، چشم‌اندازی را برای پاسخ به این پرسش‌ها از جهت نظری نیز فراهم می‌آورد. پرسش از روش‌ها و ابزارهای مداخله نظام جمهوری اسلامی در فرهنگ، پرسش بخش مهمی از چالش‌هایی سیاسی جامعه است که به فضای عمومی گسترش یافته و در اصطلاح سیاسی^۱

۱. زمانی که یک موضوع تبدیل به خواست عمومی شده و به‌عنوان مطالبه مردم مطرح می‌شود، تبدیل به امر سیاسی می‌شود و به‌عنوان یک معیار برای قضاوت و داوری درمی‌آید.

شده است. به‌گونه‌ای که بخشی از مطالبات عمومی گروه‌ها و اقشار مردم از دولت که عمدتاً در بازه‌های زمانی انتخابات جلوه بیشتری می‌یابد معطوف به نحوه دخالت دولت در قلمرو فرهنگ و موضوع‌های فرهنگی است.

مخالفت و یا موافقت با گشت ارشاد در جامعه، اختیاری و الزامی بودن حجاب، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، آزادی جشن‌ها و محفل‌های عمومی و خیابانی، سگ‌گردانی و جشن‌های خصوصی مختلط (پارتی) و... بخشی از موضوع‌هایی است که در سال‌های اخیر در کانون مطالبات سیاسی برخی گروه‌های اجتماعی قرار داشته و جامعه را به قطب‌های مختلف تقسیم کرده است.

افزون بر این، پرسش نحوه مداخله دولت به فرهنگ و حدود و ماهیت ارتباط دولت با فرهنگ، زیربنا و هسته اصلی مباحث سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی جمهوری اسلامی است؛ به‌خصوص از آن‌رو که دولت جمهوری اسلامی ایران، دولتی فرهنگی است و «فرهنگ» جزو ماهیت اصلی و قوام‌بخش انقلاب اسلامی دانسته می‌شود، از این‌رو در طول چهار دهه گذشته با استفاده از همه ابزارهای ممکن کوشیده شده تا اصلاحات و تغییرات مدنظر نظام را در حوزه فرهنگ اعمال کند. این تلاش‌ها اگرچه از ابتدای انقلاب و به‌خصوص از دهه هفتاد شمسی یک دست نبوده و در ارکان مختلف دولت جهت‌گیری‌های متناقضی در خصوص سیاست فرهنگی دیده شده^۱ با این حال سیاست‌های فرهنگی از مجاری برنامه‌ها و سیاست‌های مختلفی پیگیری شده و از ابزارهای مختلف قضایی و حقوقی تا ابزارها و سیاست‌های مالی برای پیشبرد اهداف فرهنگی استفاده شده است.

درهم‌تنیدگی نظام جمهوری اسلامی با فرهنگ و فرهنگی بودن نظام را می‌توان در تعبیری همچون «انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی و انقلاب پیام بود (ر.ک: صدیق و زائری، ۱۳۸۹) انقلاب اسلامی از «انقلاب‌های موج چهارم با رویکرد فرهنگی بود» (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۸۶) و مهم‌تر از همه در رویکرد فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی در صورت مداخله در حوزه فرهنگ دید؛ چراکه فرهنگ در اندیشه رهبران سیاسی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مبدأ خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت دانسته شده (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳)

۱. رفیع‌پور در کتاب توسعه و تضاد، آغاز این تضاد در سیاست‌های فرهنگی دولت را از سال ۱۳۶۸ و بعد از پایان جنگ و فوت امام و اصلاح قانون اساسی و ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی می‌داند.

که بسان هواست که می‌تواند موجب رشد و سلامتی فرد و جامعه باشد و نگرانی درباره آن خواب را از چشم برباید (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۷۳)؛ در این تلقی «انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی^ع اساساً انقلابی فرهنگی بوده است؛ زیرا جهت‌گیری اصلی آن تشکیل حکومت اسلامی و رسیدن به فرهنگ مطلوب اسلامی در جامعه و در همه ارکان و اجزا بوده است» (ر.ک: همایون و فروزان، ۱۳۸۸).

در نتیجه یکی از اصول مسلم و اهداف سیاسی نظام جمهوری اسلامی، اصلاح و تغییر فرهنگ جامعه یا همان‌گونه که در سند سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی آمده است: «رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان» (ر.ک: سند سیاست فرهنگی، ۱۳۷۱) می‌باشد.

اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی آن‌گونه که در اسناد مختلف از جمله قانون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است شامل «رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا، استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب، اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف و شکوفایی استعدادها و روحیه تحقیق، تتبع و ابتکار در جامعه، رواج فرهنگ و هنر اسلامی، آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و مظاهر و اهداف انقلاب اسلامی، گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به‌خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان، فراهم آمدن زمینه‌های وحدت میان مسلمین» است (ر.ک: قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶).

از این رو اصل چهارم قانون اساسی از ضرورت تطبیق همه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... با موازین اسلامی سخن می‌گوید تا قوانین مدنی، مجازات اسلامی و تجارت زیرساخت‌های حقوقی لازم برای تحقق اهداف فرهنگی را فراهم ساخته باشد. افزون بر این، مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی که بیش از ۶۰ مرکز می‌شوند (ر.ک: بودجه نهادهای دینی - تبلیغی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷) و هزینه‌های آنها در قالب قوانین بودجه سنواتی کشور از اعتبارات عمومی پرداخت می‌شود که برای تحقق اهداف فرهنگی نظام تأسیس شده‌اند. همچنین هریک از وزارت‌خانه‌ها، نهادها و ارگان‌های تخصصی همچون وزارت کار، نیروهای نظامی و اصناف بخش خصوصی دارای واحدهای روابط عمومی و معاونت‌های فرهنگی و عقیدتی‌اند که هدف‌شان کمک به صیانت از فرهنگ دینی و اصلاح و ارتقای آن است؛ به

این موارد باید واحدهای حراست و گزینش را نیز اضافه کرد که بخشی از مأموریت‌شان صیانت از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است.

همین مسئله باعث شده است تا برخی محققان از عبارت دولت فرهنگی حداکثری برای توصیف جمهوری اسلامی استفاده کنند: «جمهوری اسلامی ایران را می‌توان دولت حداکثر در عرصه سیاست‌های فرهنگی قلمداد کرد (ر.ک: وحید، ۱۳۸۶) که هیچ‌گاه وظیفه تعالی فرهنگی را از خود ساقط شده نمی‌بیند» (لبخندق، ۱۳۹۰).

این همه نشان‌دهنده مداخله همه‌جانبه جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگ با هدف تحقق اهداف فرهنگی نظام است. اکنون پرسش‌های مطرح‌شده این است که نظام از چه ابزارهایی برای تحقق اهداف فرهنگی خود استفاده کرده است؟ ویژگی‌ها و ابعاد اصلی این ابزارها چه بوده و ارکان اساسی آن چیست؟

۲. تعریف مفاهیم

۲-۱. فرهنگ

در این مقاله منظور از فرهنگ، تعریف خاص فرهنگ به معنای نظام معنا و آگاهی و به صورت خاص ارزش‌ها و باورها مدنظر است. از آنجاکه در اسناد رسمی جمهوری اسلامی منظور از فرهنگ به معنای خاص آن مدنظر می‌باشد در این مقاله نیز همین معنا استفاده شده است. در سند مهندسی فرهنگی به عنوان آخرین سند رسمی فرهنگی جمهوری اسلامی، فرهنگ این‌گونه تعریف شده است:

نظام‌واره‌ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه‌دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.

همان‌طور که در تعریف فرهنگ به معنای استفاده از توانایی‌های انسان در حیات فردی و اجتماعی (حسینی، پارسانیا، ۱۳۹۹)، دو وجه فرهنگ متعالی و منحط از یکدیگر تفکیک شده است، در تعریف سند مهندسی فرهنگی نیز فرهنگ متعالی مورد نظر می‌باشد.

۲-۲. فرهنگ‌سازی

در این پژوهش منظور از فرهنگ‌سازی، روش‌ها و شیوه‌های به‌کار گرفته‌شده از سوی

نظام سیاسی برای حفظ و گسترش ارزش‌ها و هنجارهای عمومی (نظام‌واره مدنظر نظام سیاسی) است؛ ارزش‌هایی همچون کسب رزق حلال، رعایت حق‌الناس، راستگویی، مبارزه با ظلم و عدالت‌طلبی، عفاف و حجاب، عدم اختلاط و ارتباط با نامحرم و عدم غیبت که از مصادیق بارز آن محسوب می‌شوند. این تعریف فرهنگ‌سازی معادل تعریفی است که در برخی تحقیقات از سیاست‌گذاری فرهنگی شده است: «همه تلاش‌های آگاهانه، سازمان‌یافته و مبتنی بر اصول به قصد اثرگذاری بر فرهنگ» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱).

۲-۳. حوزه‌های فرهنگ

با توجه به تعریف فرهنگ، حوزه‌های فرهنگ شامل محیط‌ها و عرصه‌هایی است که در آن، فعالیت‌ها و اقدامات آگاهانه و ناآگاهانه برای حفظ، انتقال و تحول فرهنگی انجام می‌پذیرد و در معنای خاص شامل حوزه دین، رسانه، خانواده، آموزش، فراغت و گردشگری و در معنای عام شامل همه قلمروهای حیات اجتماعی می‌شود.

۳. چارچوب نظری

در این بخش تلاش شده تا نظریه‌های مختلفی که می‌تواند مبنایی برای تعیین الگوی مداخله دولت در فرهنگ را فراهم آورد بررسی شده و در خصوص امکان‌های پیش روی سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی تأمل کرده و به این پرسش پاسخ دهد که الگوی مواجهه و مداخله جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگ از چه روش‌ها و ابزارهایی استفاده کرده است؟ بدیهی است که بررسی همه جوانب و ابعاد مسئله در چنین مجالی مقدور و میسر نبوده و تمرکز اصلی مقاله بر روش‌های مداخله نظام سیاسی در فرهنگ خواهد بود. تداوم و بسط منطقی این بحث در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از اجزای مکمل این چشم‌انداز خواهد بود.

۳-۱. رویکرد نظری سازمان‌دهی فرهنگی

در بخش عمده ادبیات سیاست‌گذاری فرهنگی تمرکز بر انواع الگوهای اداری مداخله دولت در فرهنگ است. این رویکرد که چارچوب نظری غالب بر مطالعات سیاست‌گذاری فرهنگی است، الگوی فعالیت و سیاست‌گذاری فرهنگی دولت‌های مختلف را در چارچوب نظام اداری و شیوه سازماندهی اداری فرهنگ مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه،

یونسکو در سند «مشکلات و چشم‌اندازهای کنفرانس جهانی سیاست‌گذاری فرهنگی» به سه روش معمول سیاست‌گذاری فرهنگی اشاره می‌کند. برخی دولت‌ها اقدامات سازمان‌یافته را ترجیح می‌دهند، برخی دیگر به اشکال انعطاف‌پذیرتر طراحی پروژه‌ها و حمایت راغب هستند و بالاخره پاره‌ای از دولت‌ها نیز می‌کوشند فقط مشوق و انگیزه لازم برای فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های پراکنده در حوزه فرهنگ را فراهم آورند (اجلالی، ۱۳۷۹، ص ۵۱).

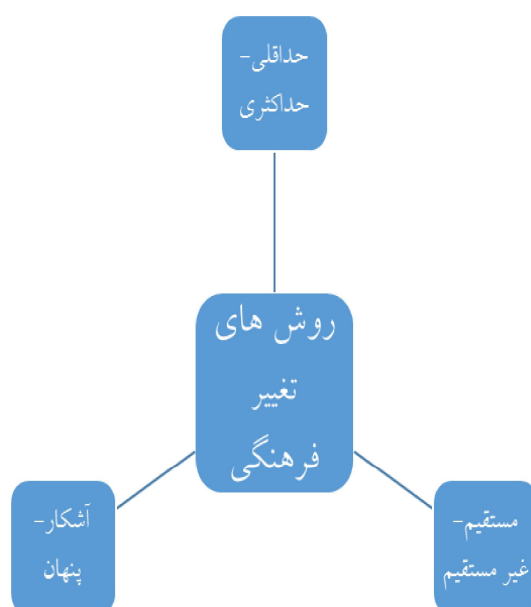
«به عبارتی بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد سیاست‌گذاری فرهنگی در بیشتر دولت‌ها کمابیش از سه الگو پیروی می‌کند که عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی محض، دخالت موردی دولت، پرهیز از دخالت» (ر.ک: اصلان‌زاده، ۱۳۹۴). بدین ترتیب کشورهای مختلف بر اساس الگوهای سازمان‌دهی فرهنگی خود دسته‌بندی می‌شوند.

این رویکرد نظری می‌تواند برخی تفاوت‌ها و شباهت‌های میان دولت‌ها را در سطح کلان توضیح دهد اما در خصوص توضیح علل و عوامل موفقیت و ناکامی دولت‌ها و همچنین روش‌ها و ابزارهای عملی تغییر فرهنگی ناتوان است؛ چراکه انواع مختلف از شیوه‌های متفاوت سامان‌دهی فرهنگ در نظام‌های سیاسی مختلف دنیا وجود دارد که به لحاظ فرهنگی موفق بوده یا شکست خورده‌اند.

افزون بر این، نظریه سازمان‌دهی فرهنگی به الگوی چرخه‌های تصمیم‌سازی در سیاست‌گذاری عمومی نیز بسیار نزدیک است که بر اساس آن، نظام مداخله و مواجهه با موضوع‌ها و مسائل مختلف از یک الگوی چندمرحله‌ای چرخه‌ای تکاملی استفاده می‌کند که در جغرافیاهای مختلف و زیست‌بوم‌های متفاوت قابلیت به‌کارگیری و استفاده دارد (ر.ک: فتاح شریف‌زاده و الوانی، ۱۳۹۴؛ اشتریان، ۱۳۸۹؛ دانایی‌فر، ۱۳۹۵).

مهم‌ترین ویژگی این نظریه، تمرکز بر ساختارهای اجرایی و اداری برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی است. بر این اساس الگوی مداخله دولت در فرهنگ شامل رویه‌ها و مراحل است که موفقیت و کارآمدی آن در گرو رعایت و اعمال همه‌جانبه چرخه‌های یادشده است. در نتیجه در این الگو بیش از آنکه جهت‌گیری مضمونی و سیاستی، تعیین‌کننده باشد روش‌های اجرا و اعمال سیاست‌ها تعیین‌کننده است. ذیل همین رویکرد نظری مداخله‌های حداقلی - حداکثری، مستقیم - غیرمستقیم، آشکار - پنهان دولت در فرهنگ قابل صورت‌بندی است.

در مداخله حداقلی، دولت از جهت قانونی، نهادی، مالی و سیاست‌گذاری کمترین میزان مداخله را دارد درحالی‌که در مداخله حداکثری برعکس است. رویکرد مستقیم مداخله‌ای معطوف به قلمرو فرهنگ است درحالی‌که در رویکرد غیرمستقیم تغییر فرهنگی از طریق مداخله در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و زیرساختی دنبال می‌شود. در مداخله آشکار، دولت به‌صورت علنی مداخله‌اش در فرهنگ را در سطح رسمی و عمومی جامعه اعلام می‌کند درحالی‌که در مداخله پنهان، دولت‌ها معمولاً از آشکار شدن اقدامات‌شان اکراه دارند. در نتیجه ابزارها و روش‌های مداخله و تغییر فرهنگی در چارچوب این رویکرد نظری را می‌توان در قالب دوگانه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:



۱۰۲

۲-۳. نظریه هویتی

بر اساس این الگوی نظری، دخالت دولت در فرهنگ از طریق پیگیری یک سیاست هویتی مشخص است. در نتیجه آنچه در خصوص رابطه دولت و فرهنگ اهمیت می‌یابد نه روش و شیوه‌های اجرای سیاست فرهنگی بلکه سیاست هویتی مشخصی است که می‌تواند بر اساس شاخصه‌های مرتبط با نژاد، جغرافیا و سرزمین، دین و... انواع مختلفی به خود بگیرد. بر این اساس هویت دینی و پیگیری سیاست اسلامی‌سازی جامعه و بخش‌های مختلف

آن دال مرکزی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است. محققان و پژوهشگران مختلفی به سیاست اسلامی‌سازی به‌عنوان مهم‌ترین عنصر سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی اشاره کرده‌اند (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۷۶؛ ربیعی، ۱۳۷۶؛ بشیریه، ۱۳۸۱؛ بلباسی، ۱۳۹۷).

نظریه هویتی ضمن اینکه تفاوت بنیادی با رویکرد سازمان‌دهی دارد اما روش‌های تغییر یا صیانت فرهنگی که موضوع اصلی این مقاله است را مسکوت گذارده است. از این رو مشخص شدن نوع سیاست هویتی نمی‌تواند مبنایی نظری برای موضوع بحث فراهم کند.

۳-۳. رویکرد جامعه‌پذیری

جامعه‌شناسان این اصطلاح را به‌منظور توصیف فرایندی استفاده می‌کنند که افراد از طریق آن هم‌نوا شدن با هنجارهای اجتماعی را می‌آموزند، فرایندی که تداوم یک جامعه و انتقال فرهنگ آن از نسلی به نسل دیگر را ممکن می‌سازد. این فرایند به دو طریق مفهوم‌پردازی شده است:

۱. جامعه‌پذیری را می‌توان به‌مثابه درونی‌کردن هنجارهای اجتماعی درک کرد؛ قوانین اجتماعی در فرد درونی می‌شوند، به‌طوری که به‌جای تحمیل شدن از طریق وسایل نظارتی خارجی، از طرف خود فرد به او تحمیل می‌شوند، و از این رو بخشی از شخصیت این افراد هستند. بنابراین فرد احساس نیاز به هم‌نواپی کردن پیدا می‌کند؛

۲. جامعه‌پذیری همچنین می‌تواند به‌مثابه عنصر ضروری تعامل اجتماعی درک شود، با این فرض که انسان تمایل دارد خودانگاره خود را با کسب توافق و منزلت در نگاه دیگران، ارتقا دهد. در این مورد افراد در حالی اجتماعی می‌شوند که کنش‌های خود را به سمت انطباق یافتن با انتظارات دیگران هدایت می‌کنند.

جامعه‌پذیری را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله نخست شامل جامعه‌پذیری کودکان در خانواده، مرحله دوم شامل مدرسه و گروه دوستان و مرحله سوم، جامعه‌پذیری بزرگسالان است که در آن هنگام، کنشگران وارد نقش‌های خود می‌شوند؛ چراکه ممکن است از طریق جامعه‌پذیری اولیه و ثانویه کاملاً آماده نشده باشند (مثلاً به‌عنوان یک کارمند، شوهر، زن یا ولی).

آن بیرو نیز جامعه‌پذیری را به دو معنا به کار می‌برد:

۱. «انتقال هر آنچه در گذشته، صورتی خصوصی، خانوادگی و شخصی داشت به قلمرو اجتماعی و اکثراً دولتی نظیر اجتماعی شدن طب» (ر.ک: بیرو، ۱۳۷۵).

۲. «فرایندی که بر پایه آن، مجموعه حیات و فعالیت‌های انسانی در شبکه وابستگی‌های متقابل اجتماعی جای می‌یابند. پدیده اجتماعی شدن، از عوامل بسیاری نظیر تجمع وسیع انسان‌ها، مقتضیات فنی، عقلانی شدن حیات و تقبل پاسخگویی به نیازهای روزافزون جمعی توسط مسئولان دولتی، منشأ می‌گیرد».

بر اساس نظریه‌های مطرح‌شده، دو الگو و روش متفاوت برای فرهنگ‌سازی و صیانت فرهنگی در جامعه قابل شناسایی است:

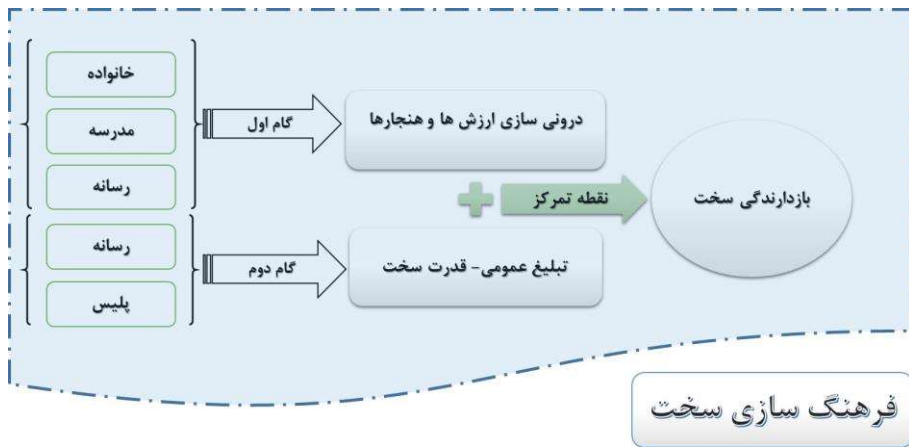
روش اول، فرهنگ‌سازی سخت نام دارد که الگوی خطی و غیرمنعطف فرهنگ‌سازی و مدیریت فرهنگی است، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی توسط نهادهایی همچون خانواده، مدرسه و رسانه‌ها به فرد منتقل و در وی درونی می‌شود؛

مرحله دوم، فرهنگ با نظام پاداش و تنبیه اجتماعی به‌خصوص عنصر قدرت سخت از جمله پلیس و نظام قضایی صیانت می‌شود. بر اساس الگوی سخت فرهنگ‌سازی، افراد ارزش‌های اجتماعی و رسمی را در کودکی می‌آموزند و در بزرگسالی به رعایت و رفتار بر اساس آن موظف‌اند. در این روش هرگونه تخطی از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی با قدرت سخت پاسخ داده می‌شود.

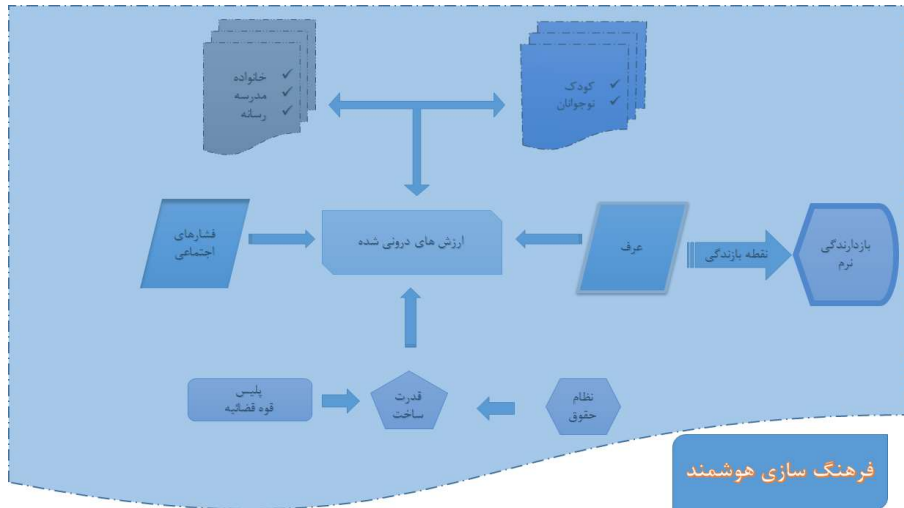
الگوی دوم فرهنگ‌سازی را می‌توان الگوی هوشمند فرهنگ‌سازی نامید. در این الگو به‌جای اینکه افراد را منفعل و بی‌اراده تصور کنند، برای افراد نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای در نظر می‌گیرند. در نتیجه الگوی فرهنگ‌سازی الگویی دوجانبه و مشارکتی و با نقش‌آفرینی فعال کنشگران است. این الگو در مرحله اول برخلاف الگوی سخت، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به‌صورت دوطرفه و با مشارکت کودکان و نوجوانان نهادینه می‌سازد سپس در بزرگسالی از یک‌سو امکان تحول فرهنگی همسو با نظام ارزشی را به رسمیت شناخته و از سوی دیگر به‌جای استفاده از قدرت سخت برای صیانت نظام ارزشی و هنجارهای اجتماعی، از قدرت نرم فشار اجتماعی استفاده می‌کند. فشار اجتماعی که پاداش و تنبیه غیررسمی است و بر اساس عرف جامعه باعث طرد و برچسب‌زنی اجتماعی به افراد می‌شود و در فرایندی بسیار سخت و دردناک، افراد را از نظام روابط اجتماعی حذف کرده و آنان را منزوی می‌سازد. این نظام

اجتماعی کنترل ارزش‌های اجتماعی یک مرحله پیش از قدرت سخت وارد می‌شود. در آخرین مرحله این فرایند برای درصد اندکی از افراد که با هیچ سازوکاری قابلیت اصلاح و کنترل آنان وجود ندارد، قدرت سخت اعمال می‌شود. بنابراین الگوی هوشمند فرهنگ‌سازی از روش چندمرحله‌ای استفاده می‌کند به همین خاطر از میزان انعطاف و مدارا نیز برخوردار است. شکل زیر این دو الگو را با یکدیگر مقایسه کرده است:

۱۰۵



در مقابل فرهنگ‌سازی سخت که روش سنتی و کلاسیک و مبتنی بر درک ابتدایی از فرایند جامعه‌پذیری است، فرهنگ‌سازی هوشمند قرار دارد.



همان‌طور که در تصویر بالا ملاحظه می‌شود فرهنگ‌سازی هوشمند مبتنی بر فرایند

ارزش‌های درونی شده است و استفاده از قدرت سخت برای صیانت ارزش‌ها در پایین‌ترین و آخرین لایه قرار گرفته و معمولاً به‌ندرت به‌کار گرفته می‌شود. بر این اساس در این مقاله تلاش شده است تا ابزارها و روش مورد استفاده برای فرهنگ‌سازی و صیانت فرهنگی در جمهوری اسلامی شناسایی و تطابق آن بر هریک از این دو الگو مورد ارزیابی قرار گیرد.

۴. روش تحقیق

داده‌های این مقاله با هدف تحلیل عملکرد نظام جمهوری اسلامی و با استفاده از روش تحلیل اسنادی و تحلیل مضمون اسناد رسمی فرهنگی به‌دست آمده است. در این روش ابتدا مجموعه اقدامات و عملکردهای دولت جمهوری اسلامی ایران در چند حوزه مهم فرهنگی در چهار دهه گذشته، با استفاده از تحلیل اسناد قانونی و تکنیک‌های تحلیل مضمون کیفی در قالب مقولات طبقه‌بندی شده است.

این مقوله‌ها مبنایی برای مفهوم‌سازی و درنهایت استنتاج روش مورد استفاده و الگوی کاربردی در جمهوری اسلامی قرار گرفته است. بر این اساس دولت جمهوری اسلامی فارغ از تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی که میان دولت‌های ادوار مختلف وجود داشته است به‌عنوان یک کل در نظر گرفته شده و اقدامات و شیوه‌های عمل در حوزه‌های مختلف فرهنگی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

قوانین مصوب در قالب اسناد مکتوب (داده‌های مکتوب) این امکان را به محقق می‌دهند تا با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، ویژگی‌های مندرج در آن را به‌صورت عینی و منظم استخراج کند؛ چراکه روش تحقیق کیفی بیشترین تناسب را برای تحلیل داده‌ها به شکل اسناد دارد (ر.ک: مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲). درواقع تحلیل محتوا تکنیکی است که برای استنباط نظام‌مند و عینی از یک محتوای معین مورد استفاده قرار می‌گیرد (ر.ک: هولستی، ۱۳۷۳) و در مقابل استنباط غیرنظام‌مند قرار دارد که به‌صورت معمول توسط اشخاص در جریان زندگی روزمره به‌کار گرفته می‌شود. درواقع هرگونه استنباط و برداشتی از محتوای معین و مشخصی تحلیل محتواست. تفاوت تحلیل محتوا، علمی در نظام‌مند بودن این استنباط و برداشت است که امکان ارزیابی و اعتبارسنجی آن برداشت و استنباط را فراهم می‌سازد. درنتیجه توصیف عینی محتوای پیام ممکن می‌شود (ر.ک: کریپندورف، ۱۳۷۸ به‌نقل از مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲).

به همین دلیل برخی بر این باور بوده‌اند که تحلیل محتوا توان پاسخ به پرسش‌هایی از

نوع چرایی را ندارد و تنها می‌تواند پاسخگویی پرسش‌های چیستی و چه چیزی باشد (ر.ک: چلیمسکی ۱۹۸۹ به نقل از مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲).

تحلیل محتوای کیفی برخلاف تحلیل کمی که می‌کوشد از طریق محاسبه فراوانی مفاهیم و اصطلاحات و رابطه آنها در متن، الگوها و معانی پنهان را کشف کند، بر معنا و منظور مفاهیم و اصطلاحات متمرکز می‌شود و به جای شمردن و محاسبه فراوانی مفاهیم، معنا و مقصودی که مفاهیم دارند را از طریق کشف شباهت و تفاوت‌های میان معانی جست‌وجو می‌کند. از این رو رویکرد مورد استفاده در این تحقیق علاوه بر استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا، بر جنبه‌های پنهان و رویکرد قیاسی متمرکز است. بدین معنا که از یک سو می‌کوشد فهم جدیدی را در خصوص ابزارهای سیاستی فرهنگ جمهوری اسلامی ارائه کرده و از سوی دیگر، این فهم را با استفاده از ابزارهای مفهومی پیش‌ساخته، استنباط می‌کند.

جامعه آماری این تحقیق، اقدامات رسمی و آگاهانه انجام شده در دوران مختلف در حوزه فرهنگ است. نمونه انتخاب شده بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند احکام، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مرتبط با بخش فرهنگ می‌باشد. میزان و تعداد نمونه در روش‌های کیفی بر اساس شاخص اشباع نظری انجام می‌شود و واحد تحلیل نیز احکام قانونی رسمی است که در قالب جمله یا پاراگراف بیان شده و حکم و دستور مشخصی را در حوزه فرهنگ بیان می‌کند. در نتیجه می‌توان حکم قانونی را واحد تحلیل این تحقیق دانست. واحد زمینه هم سیاست کلان حاکم قوانین است که احکام بخش فرهنگ تابع آن است. معیار اعتبار تحقیق نیز با توجه به روش تحقیقی به کار گرفته شده، تناسب و تطابق نتایج این تحقیق با معیارهای جاافتاده در خصوص رویکردهای جمهوری اسلامی به حوزه فرهنگ و انتظاراتی که از نظام سیاسی در این حوزه‌ها وجود دارد، خواهد بود. بنابراین نتایج به دست آمده نباید در تعارض و یا تضاد با این چارچوب‌ها باشد. با توجه به مفاهیم استفاده شده در این تحقیق، تناسب میان نتایج و نظام مفهومی به عنوان معیاری برای اعتبار مورد استفاده قرار گرفته است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. نهادسازی

تحلیل اسناد قانونی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از اقدامات جمهوری اسلامی ایران صرف ایجاد نهاد و سازمان شده و نهادسازی در قالب‌های حقوقی مختلف یکی از مهم‌ترین

ابزارهای مورد استفاده جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگ بوده است. مجموعه‌ای از شوراها، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و معاونت‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون تأسیس گردیده‌اند که بخشی از آنها در نظام سیاسی گذشته تأسیس شده و پس از انقلاب اسلامی به فعالیت خود ادامه داده‌اند و بخش عمده‌ای نیز جدید تأسیس شده است. جدول زیر نوع، تعداد و حوزه‌هایی که این نهادها در آن تأسیس شده‌اند را نشان می‌دهد:

جدول ۱: سازمان‌های فرهنگی جمهوری اسلامی

ردیف	نوع / عنوان حقوقی	تعداد	حوزه
۱	شورا	۱۰	فرهنگ، فضای مجازی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، صداوسیما، حوزه‌های علمیه، زنان، تبلیغات اسلامی
۲	وزارتخانه	۵	فرهنگ و ارشاد، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ورزش و جوانان، آموزش و پرورش و آموزش عالی
۳	سازمان	۹	صداوسیما، هنر، فرهنگ و ارتباطات، اسناد و کتابخانه، فرهنگی و هنری، تبلیغات اسلامی، اوقاف و امور خیریه، خبرگزاری، حج و زیارت
۴	معاونت وزارتخانه	۱۲	فرهنگی بیت رهبری، فرهنگی - اجتماعی شهرداری‌ها، فرهنگی وزارت علوم، فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، فرهنگی و اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرهنگی وزارت اطلاعات، پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، امور فرهنگی و تربیتی وزارت ورزش و جوانان، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه، اجتماعی نیروی انتظامی، فرهنگی سپاه پاسداران، امور زنان و خانواده
۵	ستاد	۲	اقامه نماز، احیای امر به معروف و نهی از منکر
۶	نهاد	۲	کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها
۷	قرارگاه	۲	قرب بقیةالله، ماهواره
۸	دانشگاه و دانشکده	۱۹	هنر، صداوسیما، حوزه و دانشگاه، فرهنگ و اندیشه اسلامی، تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، فقه اسلامی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پژوهشی و فرهنگی، پژوهشی حکمت و فلسفه، علوم و معارف قرآنی، اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> ، جامعه المصطفی العالمیه، مذاهب اسلامی، معارف اسلامی، مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و اسلامی، امام خمینی <small>علیه‌السلام</small> انقلاب اسلامی، آموزشی و پژوهشی

۹	بنیاد	۳	حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، سعدی، دایرةالمعارف اسلامی
۱۰	مؤسسه	۳	شهید آوینی، نشر آثار حضرت امام، اوج، ناجی هنر
۱۱	مرکز	۲	رسیدگی به امور مساجد، خدمات حوزه‌های علمیه
۱۲	مجمع	۲	تقریب مذاهب اسلامی، اهل بیت
۱۳	دفتر	۱	تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۱۴	کمیته	۱	ملی المپیک ایران، پارالمپیک
۱۵	شرکت	۱	شرکت سهامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
۱۶	موزه‌ها	۱	موزه‌ها، کاخ‌ها و خانه‌های تاریخی
	جمع کل	۶۴	

اگر عدد مجموع موزه‌ها، کاخ‌ها و خانه‌های تاریخی را که بیش از هزار مورد است، یک لحاظ کنیم، در آن صورت در چهار دهه گذشته ۱۶ نوع نهاد در قالب‌های حقوقی مختلف تأسیس شده‌اند که تعداد آنها بر اساس اسناد رسمی و قانونی به ۶۴ مورد می‌رسد. این ۶۴ نهاد در نزدیک به ۱۳ حوزه موضوعی تأسیس شده است. از میان حوزه‌های تأسیس شده، پرتکرارترین حوزه، دین ۲۹ مورد، فرهنگ ۲۰ مورد، هنر ۱۱ و رسانه ۴ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. بخش عمده این نهادها با مأموریت و هدف صیانت از فرهنگ، تبلیغ و ترویج فرهنگ دینی و ملی تأسیس شده و اختیارات مختلفی از قاعده‌گذاری تا اجرای عملیات‌های اجرایی دارند.

بزرگ شدن نهادی سازمان‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی نتیجه این روند بوده است و درواقع نقطه تمرکز بیش از آنکه اصلاح یا ارتقای ابزارها و روش‌های سیاستی فرهنگ باشد، تأسیس سازمان‌ها و نهادهایی بوده است که چنین مأموریتی را برعهده داشته باشند.

۵-۲. قاعده‌گذاری

تصویب سیاست، قانون، مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی بخش دیگری از اقدامات جمهوری اسلامی در حوزه فرهنگی و در راستای ترویج سیاست فرهنگی رسمی کشور بوده است؛ این سیاست‌ها و قوانین نیز با عناوین مختلف و در حوزه‌های متفاوتی تصویب شده‌اند که در برخی حوزه‌ها همچون عفاف و حجاب، آموزش و پرورش، صداوسیما و فرهنگ و هنر شامل مجموعه‌های چندجلدی می‌شوند. در خصوص قوانین و مقررات نیز برخی قوانین در نظام‌های سیاسی گذشته تصویب شده و در جمهوری اسلامی همراه با اصلاحاتی تداوم

داشته و برخی دیگر تأسیسی است. جدول شماره ۲ فهرست و نوع قوانین و مقررات حوزه فرهنگ را نشان می‌دهد.

جدول ۲: قوانین و مقررات حوزه فرهنگ

ردیف	نوع و نام قانون	تعداد مواد
۱	قوانین عام (قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، قانون تجارت، قانون تخلفات اداری، قانون ثبت اسناد، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون کار، قانون نظام صنفی، قانون حقوق شهروندی، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، قانون جرایم رایانه‌ای، قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، قانون امور گمرکی، قانون پیشگیری از وقوع جرم، قانون برنامه توسعه)	۱۶
۲	قوانین خاص (قانون مطبوعات، قانون ماهواره، قانون گزینش معلمان، قانون ممنوعیت استفاده از اسامی بیگانه، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، قانون حمایت از خانواده، قانون سقط‌درمانی، قانون رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملأعام خلاف شرع است، قانون مد و لباس، قانون تسهیل ازدواج جوانان، قانون تابعیت، قانون ثبت اختراعات، قانون امور سمعی و بصری و فعالیت‌های غیرمجاز، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزش و پرورش غیردولتی، قانون اداره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و قوانین اداره دیگر سازمان‌های فرهنگی از جمله وزارت آموزش و پرورش، علوم، اوقاف و...)	۱۸ (بدون لحاظ کردن قوانین تأسیس سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها)
۳	سیاست‌ها (سند اصول سیاست فرهنگی، سند مهندسی فرهنگی، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول آموزش و پرورش، سیاست‌های کلی و سیاست‌های برنامه‌های توسعه)	۶
۴	بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی	-

۱۱۰

اگرچه در خصوص تعداد قوانین و مقررات کشور آمار دقیق و مستندی وجود ندارد، اما

مطابق با برخی برآوردها ۱۲,۰۰۰ قانون و ۸۰,۰۰۰ مصوبه در کشور وجود دارد. این قوانین ذیل ۲۹۱۶ طرح و لایحه تا پایان مجلس نهم به تصویب رسیده است.^۱ بر اساس اصل چهارم قانون اساسی همه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشند. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم می‌باشد و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. مطابق با این اصل همه قوانین و مقررات کشور، ویژگی عدم مغایرت با موازین اسلامی را دارند.

باین حال به نظر می‌رسد از میان این قوانین و مقررات گسترده، ۱۶ قانون عام و کلی به خصوص دو قانون مجازات اسلامی و مدنی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع سیاست‌گذاری و فعالیت فرهنگی مربوط می‌شود. مجموع قوانین خاصی که در حوزه فرهنگ تا پایان مجلس نهم به تصویب رسیده است ۱۳۶ قانون^۲ می‌باشد که از میان این قوانین ۱۷ قانون خاص به خصوص قوانین مطبوعات، ماهواره و قانون جرایم رایانه‌ای نقش محوری در ایجاد نظام حقوقی لازم برای فعالیت‌های فرهنگی و جهت‌گیری‌های فرهنگی دولت دارند. از میان این قوانین حوزه فرهنگ عمومی، ارشاد و تبلیغ اسلامی با حدود ۲۸ درصد قانون‌گذاری، بیشترین قانون در حوزه فرهنگ را داراست و جوانان و تربیت بدنی با ۱۱ درصد کمترین میزان قانون را دارد.

تأکید بر قانون‌گذاری و استفاده از ابزار قانون به‌عنوان ابزاری برای تغییر فرهنگی یکی دیگر از ابزارهای مورد استفاده برای سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی است. در استفاده از ابزار قانون اگرچه بر استفاده روش‌های آگاهی‌بخشی، اقناع، همراه‌سازی و... در کنار جرم‌انگاری و تعیین مجازات تأکید شده است، باین حال استفاده از ابزار قانون حتی با مضمون آگاهی‌بخشی بیش از آنکه به روش نرم و هوشمند نزدیک باشد، به روش سخت نزدیک است.

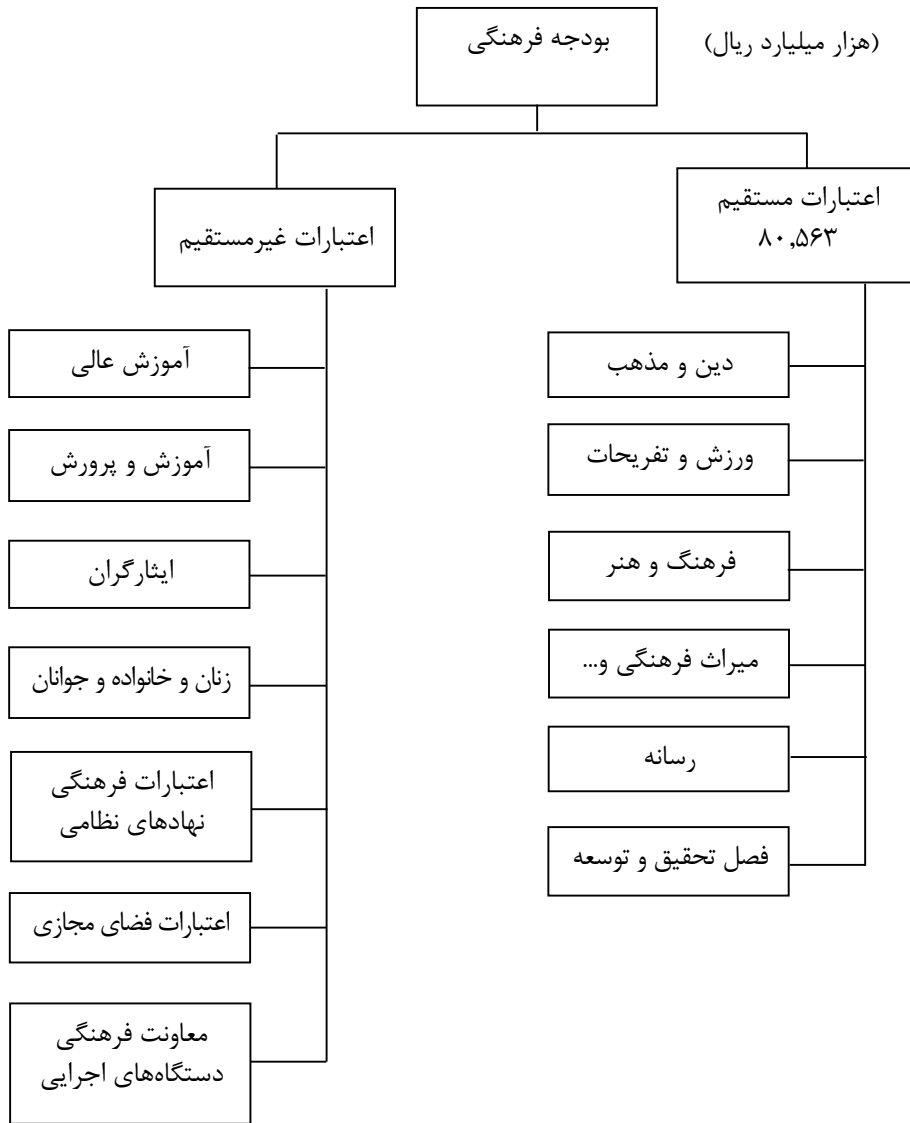
۵-۳. حمایت مالی

بخش دیگر اقدامات انجام‌شده در حوزه فرهنگ به حمایت‌های مالی بازمی‌گردد که به‌طور

۱. ر.ک: گزارش نه دوره قانونگذاری در حوزه فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۵۰۹۰.

۲. همان.

مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیتهای حوزه فرهنگ صورت می‌پذیرد. حمایت‌های مستقیم شامل منابع مالی است که به مؤسسات و سازمان‌های فرهنگی پرداخت می‌شود و حمایت‌های غیرمستقیم شامل مواردی است که در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های غیرفرهنگی از قبیل وزارت نفت، وزات تعاون و کار و... برای فعالیتهای فرهنگی اختصاص می‌یابد. در یک تقسیم‌بندی دیگر نیز می‌توان وضعیت اعتبارات مستقیم و غیرمستقیم را به شکل زیر نشان داد:



جدول شماره ۳ مجموع اعتبارات بخش فرهنگ و آموزش را در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد:

جدول ۳: اعتبارات بخش فرهنگ و آموزش در قانون بودجه سال ۱۴۰۰

ردیف	عنوان	اعتبار (میلیارد تومان)
۱	امور فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری	۱۹,۹۱۰,۹۷۶,۲۰۰
۲	امور متفرقه مرتبط با فرهنگ (نهادهای و موضوعات خاص)	۲,۱۳۷,۷۶۰,۰۰۰
۳	امور آموزش و پژوهش	۱۶۴,۰۸۳,۶۸۳,۹۰۰
۴	امور متفرقه مرتبط با آموزش	۱,۳۷۵,۴۰۰,۰۰۰
	جمع کل	۱۸۷,۵۰۷,۸۲۰,۱۰۰

۱۱۳

با توجه به جدول شماره ۳، مجموع اعتبار مالی بودجه سال ۱۴۰۰ که تنها در دو حوزه فرهنگ و آموزش هزینه شده است ۱۸۷ هزار و ۵۰۷ میلیارد و ۸۲۰ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان می‌باشد که ۱۱ درصد از این رقم سهم بخش فرهنگ و ۸۹ درصد سهم بخش آموزش است. سهم امور فرهنگ از بودجه عمومی حدود ۲ درصد و سهم امور آموزش نزدیک به ۱۷ درصد می‌شود.

بخش عمده‌ای از این اعتبارات توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ورزش و جوانان، گردشگری و صنایع دستی و بهداشت و درمان برای فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی هزینه می‌گردد.

اگرچه منابع مالی اختصاصی بخش فرهنگ نسبت به آموزش به مراتب کمتر است اما همان‌طور که در بخش نهادها مشاهده شد، این اعتبارات بدون در نظر گرفتن اعتبارات بخش‌های فرهنگی، نهادها و سازمان‌های غیر فرهنگی همچون وزارت نفت، وزارت کار و... است.

تحلیل اعتبارات بخش فرهنگ به صورت مستقل نیز ابعاد دیگری از وضعیت حمایت‌های مالی از بخش فرهنگ را در جدول چهار نشان می‌دهد:

جدول ۴: اعتبارات فصول مختلف فرهنگ در قانون بودجه

ردیف	عنوان	جمع کل اعتبارات	درصد
۱	امور فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری	۱۹,۹۱۰,۹۷۶,۲۰۰	
۲	فصل دین و مذهب	۴,۴۷۴,۶۳۶,۵۰۰	۲۲
۳	فصل ورزش و تفریحات	۳,۷۰۴,۳۲۲,۳۰۰	۱۸
۴	فصل فرهنگ و هنر	۳,۲۳۸,۳۸۲,۶۰۰	۱۶
۵	فصل میراث فرهنگی	۱,۰۰۳,۱۶۰,۰۰۰	۵
۶	فصل رسانه	۶,۲۶۶,۶۵۰,۴۰۰	۳۱
۷	فصل گردشگری	۴,۱۱۲,۳۲۴,۰۰۰	۲۰
۸	فصل صنایع دستی	۱,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۸
۹	فصل تحقیق و توسعه در امور فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری	۶۳۷,۵۹۲,۰۰۰	۳

همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌کنید فصل رسانه با ۳۱ درصد و فصل دین و مذهب با ۲۲ درصد بیش از ۵۰ درصد اعتبارات فصل فرهنگ را به خود اختصاص داده‌اند. اگر سه فصل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز با هم در نظر گرفته شود بیش از ۳۳ درصد اعتبارات فصل فرهنگ را به خود اختصاص داده‌اند و فصل تحقیق و توسعه در امور فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری فقط ۳ درصد اعتبارات فرهنگ را داراست.

۵-۴. گفتمان سازی

آخرین نوع فعالیتی که در حوزه فرهنگ در نظام جمهوری اسلامی انجام می‌شود، گفتمان سازی و یا آن گونه که در ادبیات رسمی گفته می‌شود تبلیغ و بصیرت بخشی است. گفتمان سازی در سطوح مختلف و توسط نهادهای متعددی در کشور انجام می‌شود، با این حال چند نهاد و سازمان مشخص از جمله حوزه‌های علمیه، ائمه جمعه و جماعات، صداوسیما، آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت متمرکز در این موضوع فعالیت می‌کنند.

جدول شماره ۵ نهادهایی را که بر اساس اساسنامه و شرح وظایف قانونی خود در این حوزه فعالیت بیشتری دارند را مشخص کرده است.

جدول ۵: سطوح و سازمان‌های گفتمان‌ساز جمهوری اسلامی

ردیف	سطح	گفتمان	مرجع / منبع گفتمان	نهاد و سازمان‌های متولی
۱	عمومی	رشد و تعالی	قانون اساسی	حوزه‌های علمیه، ائمه جمعه و جماعات، منابر و هیئت‌ها، صداوسیما، آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت ارشاد (کتب، مطبوعات و...)
		صیانت و سالم‌سازی فرهنگی	سند اصول سیاست فرهنگی	
		پرورش و تعالی وجودی	سند تحول بنیادین	
		سبک زندگی ایرانی - اسلامی	نقشه مهندسی فرهنگی	
۲	تخصصی	هنر متعهد / هنر قدسی	قانون اداره سازمان‌های فرهنگی	شهرداری‌ها فعالیت‌های فرهنگی اصناف، سازمان‌های تخصصی و...

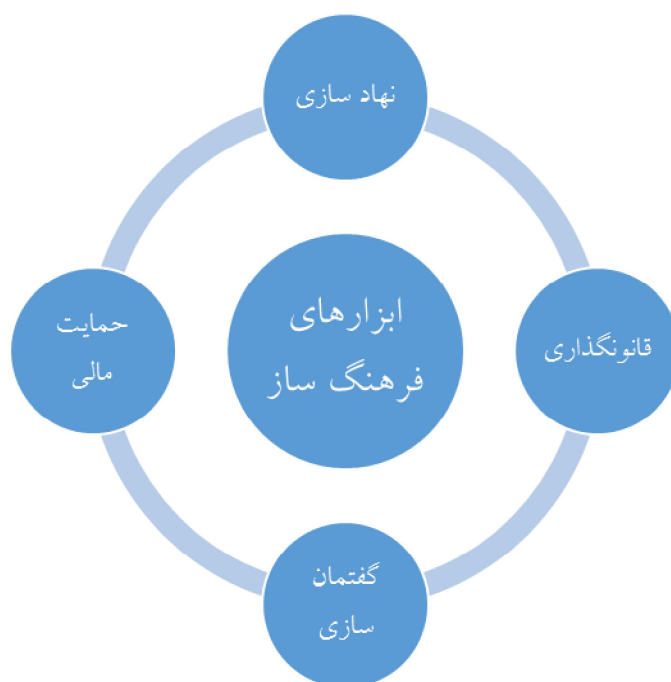
۱۱۵

تولید، ترویج و بسط گفتمان فرهنگی قلب نظام سیاست‌گذاری فرهنگی بوده و هدف و غایت نهایی آن است. در وضعیت ایده‌آل ایجاد نهادها، تصویب قوانین و هزینه منابع مالی با محوریت گفتمان فرهنگی و با هدف صیانت و تثبیت آن انجام می‌شود.

فعالیت‌های تخصصی گفتمان‌سازی معمولاً مکمل فعالیت‌های عمومی است و با تمرکز بر مخاطب خاص و محیط مشخصی می‌کوشد تا گفتمان عمومی را تعمیق بخشیده و در میان افراد و اقشار مختلف درونی سازد. آنچه در این میان و در سطح گفتمانی حایز اهمیت است، محتوا و مضمون گفتمان می‌باشد که بر محور دو مفهوم رشد و تعالی فرهنگی و سالم‌سازی فضای فرهنگی شکل گرفته است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که جمهوری اسلامی در کلان‌ترین سطح خود از چهار ابزار مختلف به‌صورت هم‌زمان در حوزه فرهنگ به‌عنوان ابزار سیاستی فرهنگ در جامعه استفاده می‌کند.



این چهار ابزار اصلی بر اساس رویه‌های مختلف اجرایی که روش فرهنگ‌سازی را در جامعه ایران مشخص می‌کند به کار گرفته می‌شوند. بر اساس حجم و ترکیب هریک از این ابزارها در نظام سیاست‌گذاری می‌توان این‌گونه استنباط کرد که روش اصلی مورد استفاده در صیانت فرهنگی، روش سه‌وجهی است که رکن اصلی و اساسی‌اش را قانون مجازات اسلامی تشکیل می‌دهد. این روش بر سه‌گانهٔ تحذیر - تشویق - ترغیب و مبتنی بر سایقه‌های ترس - آگاهی‌جویی - زیبایی‌دوستی استوار بوده و به‌صورت مستقیم و آشکار می‌کوشد تا اصلاحات مدنظر حوزه فرهنگ را محقق سازد. بر این اساس به نظر می‌رسد الگوی سیاست فرهنگی بر محور تحذیر - ترغیب و تشویق استوار است تا حالت‌های دیگر این ترکیب به‌خصوص ترکیب تشویق - ترغیب و تحذیر حداقلی. همچنین به نظر می‌رسد تکیه بر غریزهٔ ترس - آگاهی بسیار بیشتر از ترکیب‌های دیگر به‌خصوص ترکیب زیبایی‌دوستی - آگاهی است.

در نتیجه متناسب با آنچه در حوزه‌های نهادسازی، قاعده‌گذاری، حمایت مالی و گفتمان‌سازی صورت گرفته است، به نظر می‌رسد الگوی فرهنگ‌سازی سخت بسیار بیشتر از الگوی فرهنگ‌سازی هوشمند مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل یافته‌های تحقیق

نشان می‌دهد که تمرکز اصلی نظام مدیریت فرهنگی کشور بر الگوی بازدارندگی سخت و انتقال یک‌طرفه نظام ارزشی و هنجاری و صیانت سخت و بازدارنده از آن متکی بوده است؛ هرچند تأکید بر هریک از این ابزارها در دولت‌های مختلف تفاوت داشته و متناسب با گفتمان حاکم بر هریک از دولت‌های پس از انقلاب، بر یک ابزار در برابر سایر ابزارها تأکید بیشتری صورت گرفته، باین‌حال در همه دولت‌های مختلف کمابیش از همه ابزارها استفاده شده است.

فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال اول، ش ۳، تابستان، ص ۷-۳۵.
۲. آل‌یاسین، احمد (۱۳۹۲). *تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران*، تهران، مرکز نشر سمر.
۳. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۹). *متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگی (ویرایش اول)*، تهران، میزان.
۴. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۱). «تجرباتی از برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران (۵۷-۱۳۲۰)»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، شماره ۳۳، زمستان، ص ۲۴-۳۱.
۵. اصلان‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴). «تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی با تأکید بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس»، *فصلنامه علوم خبری*، ش ۱۴، ص ۸۷-۱۱۷.
۶. ایوانز، کریم (۱۳۸۱). «برنامه‌ریزی فرهنگی: مفهومی مبهم»، ترجمه پرویز اجالالی، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، ش ۳۳، زمستان، ص ۳۲-۳۶.
۷. بلباسی، میثم (۱۳۹۷). *هویت ملی در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. بیرو، آلن (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
۹. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). «تأمل آسیب‌شناختی بر فرهنگ در ایران»، در: *سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران امروز*، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۰. حسینی، سیدعباس، حمید پارسانیا و... (۱۳۹۹). «بازتاب فطرت در نظریه فرهنگی آیت‌الله جوادی آملی»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال هشتم، ش ۲، ص ۸-۳۴.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶). دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری.
۱۲. _____ (۱۳۷۳). دغدغه‌های فرهنگی: شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ با استفاده از دیگر بیانات معظم‌له، مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.
۱۳. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، نرم‌افزار صحیفه نور.
۱۴. دانایی‌فر، حسن (۱۳۹۵). *گفتارهای جدید در خط مشی‌گذاری عمومی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. رضایی، محمد (۱۳۸۷). *ناسازه‌های گفتمان مدرسه: تحلیلی از زندگی روزمره دانش‌آموزی*، تهران، جامعه و فرهنگ.

۱۶. روحانی، حسن (۱۳۹۳). همایش بیمه سلامت همگانی.
۱۷. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۰). «الزامات برنامه‌ریزی مطلوب فرهنگی»، برگ فرهنگ، سال ش ۲۳، ص ۸۷-۹۷.
۱۸. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰.
۱۹. سند سیاست فرهنگی کشور، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱.
۲۰. شریف‌زاده، فتاح و سیدمهدی الوانی (۱۳۹۴). **فرآیند خط مشی‌گذاری عمومی**، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۱. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بازنگری ۱۳۶۸).
۲۳. قانون برنامه اول توسعه، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۴. قانون برنامه دوم توسعه، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۵. قانون برنامه سوم توسعه، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۶. قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۷. قانون برنامه پنجم توسعه، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۸. قانون برنامه ششم توسعه، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
۲۹. قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۶.
۳۰. قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، مصوب مجلس شورای ملی، ۱۳۴۶.
۳۱. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۸)، پایگاه اطلاع‌رسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳۳. کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۸). **تحلیل محتوا**، ترجمه هوشنگ نایینی، تهران، نشر نی.
۳۴. کاشی، غلامرضا (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳۵. لبخندقی، محسن (۱۳۹۰). «دلالت‌های نظریه فطرت در نظریه فرهنگی»، **فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی**، سال سوم، ش ۱، ص ۵۵-۸۰.
۳۶. مقتدایی، مرتضی و علیرضا ازغندی (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال دوازدهم، ش ۳۴، بهار، ص ۲۶۷.

۳۷. مالرب، میشل (۱۳۸۷). *انسان و ادیان*، تهران، نشر نی.
۳۸. مؤمنی‌راد، اکبر (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۸۷-۲۲۲.
۳۹. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۷)، *بودجه نهادهای دینی - تبلیغی*.
۴۰. نقشه مهندسی فرهنگی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲.
۴۱. وحید، مجید (۱۳۷۶). «بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم، ش ۳، بهمن، ص ۲۷۸-۳۰۶.
۴۲. وحید، مجید و محمد صفار (۱۳۹۵). «مبانی مطالعه تطبیقی با محوریت مرجعیت‌ها»، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، سال دوم، ش ۲، ص ۹-۲۷.
۴۳. همایون، فروزان (۱۳۸۸). «تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران»، *دین و ارتباطات*، سال شانزدهم، ش ۵۲-۵۳، بهار-تابستان و پاییز-زمستان، ص ۲-۳۵.
۴۴. هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.